

سال ۱۳۴۵ پروژه ساخت بوستان ملت در ۲ فاز آغاز شد. فاز اول بوستان ملت که امروز به موازات خیابان ولیعصر (عج) قرار دارد خیلی زود به بهره‌برداری رسید و میان شهروندان به نام «بلوار کنار جاده» معروف شد. منظور از جاده همان خیابان ولیعصر (عج) کنونی است که پس از جاده قدیم ششمیران یا همان خیابان شریعتی فعلی، ساخته و تبدیل به دومین جاده دسترسی به شمران شد. فاز دوم بوستان ملت ۶ سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۳ به پایان رسید که شامل ۲ بخش تپه‌ای یعنی جنگل کاری‌های سمت سازمان صداوسیما و چمن کاری و گلکاری‌های سمت بزرگراه نیاپیش و خیابان سلول است.

سماور عجیب قجری



سماور از همان زمان ورودش به ایران ماجراهای اتفاقات جالبی رقم زد. یکی از این ماجراها حکایت ساز زدن سماور «قمر السلطنه» دختر فتحعلی‌شاه است. قمر السلطنه همسر «میرزا حسین‌خان سپهسالار» صدراعظم

ناصرالدین‌شاه بود. قمر و همسرش هیچ اولادی نداشتند، اما در عوض ثروت فراوانی داشتند که به واسطه آن سرگرمی‌های زیادی در خانه فراهم می‌کردند. یکی از این سرگرمی‌ها ساز زدن سماور روسی قمر السلطنه برای مهمانان خانه بود. وقتی آب در این سماور به جوش می‌آمد، در اثر خروج بخار آب صدایی ایجاد می‌شد و مردم فکر می‌کردند سماور ساز می‌زند.



عالمی صادق بود

شهید اکبر مطلبی‌زاده، ثابت کرد که علم متعهد، مرزهای استکبار را درهم می‌شکند. او ۲۳ خرداد در حمله رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. او یکی از برجسته‌ترین دانشمندان هسته‌ای ایران و استاد فیزیک بود. دوست و آشنا او را اینگونه توصیف می‌کنند: «در تحلیل مسائل روز تصعب نداشت و عالمی صادق بود.»

گزارش

سیده کلثوم موسوی | خبرنگار |
علاقه ویژه‌ای به کودکان داشت. در روزهای خاص اعضای کوچک خانواده را غافلگیر می‌کرد تا دلشان را شاد کند و خنده بر لب اهل خانه

بیابورد. ۸ سال دفاع مقدس را در جبهه‌های جنگ حضور داشت و هر زمان از قاب تلویزیون صحنه‌های آن دوران را می‌دید با حسرت آه می‌کشید و می‌گفت رفقا رفتند و من از قافله جا مانده‌ام. سرانجام محمدعلی حسینی

می‌گفت از قافله شهادت جا مانده‌ام

شهید محمدعلی حسینی از رزمندگان دوران دفاع مقدس بود

۶۳ساله، ساکن محله پیروزی، در حمله موشکی ۲۵خرداد ۴۰۴به آرزوی دیرینه‌اش رسید و نامش در شمار شهیدان جاودانه شد. با پسر و همسر شهید گفت‌وگو کرده‌ایم.

حسرت شهادت

محسن علی حسینی، پسر شهید، از روزهای کودکی و نوجوانی‌اش آغاز می‌کند، از دوستی‌ها و رفتاری که با پدر داشت‌اند: «هر وقت در زندگی به مشکلی برمی‌خوردم، راهنمایی می‌کرد تا از آن عبور کنم. این رفاقت پدر که از بچگی ما را به‌خود نزدیک کرده بود باعث می‌شد تا پیش هر کسی درباره مسائل شخصی‌مان صحبت نکنیم. پدر مثل کوه پشتمان بود.» محسن از آخرین دیدار و لحظه تلخ شنیدن خبر رفتن پدر برآیمان تعریف می‌کند: «روز عید غدیر خانه اقوام مهمان و کنار پدر بودم. مثل همیشه با همه معاشرت داشت و پر از انرژی بود. نمی‌دانستم آن شب آخرین دیدارمان خواهد بود. خبر شهادت پدر را هم تلفنی از یکی از دوستانش شنیدم. باورم نمی‌شد. درست ۳ روز قبل، وقتی مستندی درباره شهدای دفاع مقدس تماشا می‌کرد، سری تکان داد و گفت سن ما به ۶۳ رسید، اما هنوز شهید نشده‌ایم.»

همیشه کمک بود

فاطمه احمدی، همسر شهید، از سال‌های زندگی مشترکشان می‌گوید: «مسئولیت‌پذیری برایش اولویت داشت. اگر جایی با کسی قرار می‌گذاشت طوری زمان را تنظیم می‌کرد که به موقع سر قرار برسد. نسبت به تنظیم و برنامه‌ریزی کارها تعهد خاصی داشت. به بچه‌های فامیل و نوه‌ها که می‌رسید با آنها بازی می‌کرد و همیشه برایشان وقت می‌گذاشت. در کارهای خانه کمک حال بود هر زمان که مهمان می‌آمد در پذیرایی و مرتب کردن خانه بی‌منت کمک می‌کرد. حجاب اهل خانه برایش در اولویت بود و همیشه به دخترها سفارش می‌کرد که با حیا و وقار در جامعه حضور داشته باشند. حتی در وضیت‌نامه‌اش هم به دختران سفارش کرده بود که حجابشان را رعایت کنند و فرزندان با تقوا تربیت کنند.» بانو فاطمه از دیگر اعتقادات شهید محمد چنین یاد می‌کند: «خیلی به نماز اول وقت اهمیت می‌داد و تا جایی که ممکن بود، نماز را در مسجد می‌خواند. با شوق فراوان در نماز جمعه شرکت می‌کرد. محرم که می‌شد لباس عزایه تن می‌کرد و برای خدمتگزارانی به عذاران پیشقدم بود و خلاصه هر خدمتی برای ارباب کر بلا از دستش بر می‌آمد انجام می‌داد.»

کسب‌رزق حلال برایش مهم بود

محمدعلی حسینی مناسبت‌ها را به یاد داشت و همیشه در هر مناسبتی همسرش و فرزنداناش را غافلگیر می‌کرد. احمدی از خلقیات همسر شهیدش با افتخار چنین می‌گوید: «تولد‌ها، سالگرد ازدواج و روزن یا روز دختر را با پیام یا هدیه کوچکی تبریک می‌گفت. همیشه غافلگیرمان می‌کرد. خیلی وقت‌ها با بچه‌ها هماهنگ می‌کرد تا من را غافلگیر کنند. وقتی در آشپزخانه مشغول آشپزی بودم، دستی به شانه‌ام می‌زد و می‌گفت خانم! مرا هم دعا کن! همین لحظات ساده، بزرگ‌ترین خاطرات زندگی‌مان است.» او شهادت همسرش را نعمتی الهی می‌داند: «همیشه دنبال کار خیر و رزق حلال بود. اگر کسی نیاز مالی داشت و محمد متوجه می‌شد هر کاری می‌توانست انجام می‌داد تا مشکلت حل شود. همیشه می‌گفت اگر دست‌پنده خدایی را بگیری و گره از مشکلتش باز کنی خداهم گره از مشکلت تو باز می‌کند. همین رزق حلال و نیت پاکش عاقبت به‌خیری را برایش رقم زد. شهادت عزتی بود که خدا نصیبش کرد. خدا با شهادت همسر به ما آبرو بخشید و ما سر بلند شدیم.»

آگهی مناقصه عمومی

شماره (۷)

فرمانده آماد و پشتیبان هواپه نهاجا

در نظر دارد اقدام مورد نیاز خود به شرح ذیل را از طریق مناقصه عمومی

خریداری نماید.

۷/۱- گوشت بوقلمون

۷/۲- قند شکسته

۷/۳- جای داخلی

۷/۴- پارچه فاستونی (سرمه ای)

۷/۵- پارچه فاستونی (سرمه ای تیره)

۷/۶- پارچه پیراهنی

۷/۷- پوتین زبره لاستیک

۷/۸- کیف پرواز

لذا از کلیه داوطلبان واجد شرایط دعوت به عمل می آید در صورت تمایل به شرکت در مناقصه با در دست داشتن معرفی‌نامه رسمی برای دریافت اسناد مناقصه از زمان درج آگهی حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از ساعت ۸ الی ۱۲ به نشانی: تهران، خیابان پیروزی، ایستگاه درختی، فرماندهی آماد و پشتیبانی هوایی، مرکز تهیه و خرید مراجعه نمایند. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۳۵۷۴۴۳۹۲ و ۳۵۷۴۴۱۴۹ تماس حاصل نمایند.

این فرماندهی در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات واصله مختار خواهد بود.

ارایه مدارک و سایر اطلاعات لازم در ارزیابی توانمندی متقاضی موثر خواهد بود.

هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

فرمانده آماد و پشتیبان هواپه

آگهی مزایده عمومی

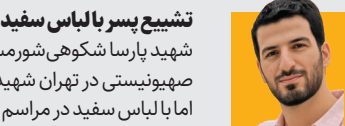
شماره ۱۴۰۴/۱۰

BAHMAN
بهمن
شرکت بهمن موتور

شرکت بهمن‌موتور در نظر دارد اقسام ضایعاتی مشتمل بر انواع آلومینیوم، قطعات موتاژی، شیشه، قطعات خودرویی فلزی، دسته سیم، بدنه، قطعات بدنه و تایر را از طریق مزایده عمومی عرضه کند، متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید و دریافت فرم شرایط مزایده از تاریخ چاپ آگهی به مدت یک هفته از ساعت ۸ الی ۱۵ به آدرس: قزوین، شهرک صنعتی البرز، حکمت ۱۰ واحد اقسام مازاد مراجعه یا با شماره تلفن ۴۸۰۸۱ داخلی ۲۴۳۵ دتتر تهران هماهنگی کنند. پاکت‌های مزایده ۷ روز پس از درج آخرین آگهی مزایده در ستاد گروه بهمن بازگشایی می‌شود.

■ پرداخت هزینه نشر آگهی و کارشناسی بر عهده برنده مزایده (خریدار) است.

■ شرکت در رد یا قبول پیشنهادات بطور تفکیکی و کلی و به هر عنوان مختار است.



تشییع پسر با لباس سفید

شهید پارسا شکوهی‌شورمستی، جوانی از خطه سرسبز قائمشهر حین خدمت سربازی طی حملات رژیم صهیونیستی در تهران شهید شد. پدرش با اینکه در غم از دست دادن پسرش به سختی قدم برمی‌داشت اما با لباس سفید در مراسم تشییع پارسا حاضر شد و دستان خود را با افتخار به علامت پیروزی بالا برد.

دخترانم! مرا شفاعت کنید



رقیه احمدی، مدیر مدرسه شهید رحمانی با ۲۵ سال سابقه در آموزش و پرورش، هنوز باورش نمی‌شود که صدای انفجار آن شب، آغاز داغی باشد که تا همیشه بر دلش بماند. او که سال‌ها فرزندان مردم را همچون دختران خودش تربیت کرده، حالا با غم از دست دادن دانش‌آموزان شهیدش، تنها به یک امید دل بسته است: شفاعت دختران معصومی که روزی با لبخند خداحافظی می‌کردند و حالا پرکشیده‌اند.

احمدی از دختران شهید مدرسه شهید رحمانی می‌گوید: «خانه‌ام نزدیک مدرسه است. شب قبل صداهای انفجار را می‌شنیدم، اما فکر نمی‌کردم که شهرک شهید چمران را زده باشند. تا اینکه از گوشه و کنار خبر رسید که بلوک ۱۲ را زده‌اند. می‌دانستم چند دانش‌آموز در آن بلوک دارم و مرتب پیگیر وضعیت آنان بودم و متأسفانه هر ساعت خبر شهادت یکی از بچه‌هایم می‌رسید. حال غریبی داشتم که هرگز فراموش نمی‌کنم. کنار خانواده بودم اما خودم را روی زمین حس نمی‌کردم. توی هوا معلق بودم. به دخترم گفتم «دست مرا بگیر تا بنشینم.» می‌گفت «مامان، تو روی زمینی.» ولی من حس می‌کردم روح از تنم جدا شده و در فضا شناورم. باور نمی‌کردم و می‌گفتم این خبرهای شهادت بچه‌های من است که هر لحظه می‌رسد...! ایما... زهر... دختری که تا از من خداحافظی نمی‌کردن نمی‌رفتند. زهرایی که حافظ قرآن بود و در مراسم مدرسه، قرآن تلاوت می‌کرد. به بعضی از بچه‌ها خیلی وابسته بودم. برخی از بچه‌ها را به واسطه حضور و فعالیت مادرانشان در آنچمن مدرسه، بیشتر می‌دیدم و می‌شناختم. قلبم زخمی رفتن‌شان است و فقط امید دارم که این دختران مهربان، نازنین و صور شفاعت‌کننده ما باشند. از آنان می‌خواهم که دست مرا بگیرند.»



آگهی مناقصه (۲۳- ۱۴۰۴) کد آگهی: ۱۶۵

شهرداری منطقه ۱۰ تهران در نظر دارد امور مشروحه ذیل را از طریق برگزاری تشریفات مناقصه عمومی به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید.

معاونت خدمات شهری و محیط زیست				
ردیف	موضوع	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	مدت
۱	رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی المانهای شهری در سطح منطقه	۱۳۹,۹۶۵,۷۶۵,۰۰۰	۶,۹۹۸,۲۸۸,۲۵۰	۱۲ ماه
۲	اجرای پروژه های نورپردازی دانمی، شاخص و تعاملی خیابان رودکی – نوبت دوم	۸۳,۰۳۴,۲۰۹,۱۰۰	۴,۱۵۱,۷۱۰,۴۵۵	۶ ماه
۳	خرید و نصب وسایل بازی کودکان و تجهیزات بدنسازی – نوبت سوم	۷۲,۲۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۶۱۳,۵۰۰,۰۰۰	۱۲ ماه
معاونت حمل و نقل ترافیک				
۱	تهیه، نصب، تجهیز و تعمیر و نگهداری واحداث ایستگاه‌های اتوبوس و خطوط فیدر، تاکسی و پایانه اتوبوسرانی BRT، سطح منطقه ۱۰	۳۵,۱۷۸,۹۱۶,۳۲۹	۱,۷۵۸,۹۴۵,۸۱۷	۱۲ ماه

توضیحات:

- به همراه داشتن فلش جهت دریافت اسناد الزامی می باشد.

- **ردیف های ۱ الی ۳**: دارا بودن کارت الکترونیکی از سازمانه ارائه دهندگان خدمت و تأمین کنندگان شهرداری تهران با وضعیت معتبر از حوزه خدمات شهری و محیط زیست در رسته مرتبط

- روز، ساعت و محل قرائت پیشنهادها در اسناد مناقصه منظور شده است

(الف) سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ سپرده به صورت نقد و یا اصل ضمانتنامه بانکی از بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی (حداقل دارای سه ماه اعتبار از تاریخ صدور)

(ب) محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات: محل دریافت، اداره قراردادهای منطقه واقع در ساختمان اصلی شهرداری منطقه ۱۰ (طبقه ۴) و محل تحویل دبیرخانه مرکزی شهرداری منطقه ۱۰ (طبقه همکف) به آدرس: خیابان آزادی- حذفاصل بزرگراه یادگار امام(ره) و خیابان چیچون – نیش کوجه مشعوف – شهرداری منطقه ۱۰ می‌باشد.

همشهری بین

اولین تلویزیون رسانه‌ای در شبکه نمایش خانگی

#اطلاع-رسانی #آموزش #فیلم-و-سریال

HAMSHARI
TV5